سراج

روزنامه صبح ایران / سال دهم - شماره ۱۴۹۰
۱۴ مرداد ماه ۱۴۰۳/ با ما همراه شوید
www.serajonline.com - @serajname

کشف کوزه‌ای مملو از سکه‌های طلای ایران باستان

یک ظرف مملو از سکه‌های طلا در شهر باستانی یونانی واقع در ترکیه کشف شد. باستان‌شناسان می‌گویند این سکه‌ها در ایران باستان ضرب شده است.

باستان‌شناسان با کاوش در ترکیه ظرفی شبیه کوزه را کشف کردند که به همراه گنجینه‌ای از سکه‌های طلای ایرانی دفن شده بود.

«لایوساینس» درباره این کشف تازه نوشت، این سکه‌های طلا داخل یکی از اتاق‌های خانه‌ای در شهر باستانی یونانی «نوشن» واقع در غرب ترکیه کشف شده‌اند. روی این سکه‌ها شکل یک کماندار زانو زده نقش بسته است که طرح «دَریک» ایرانی، نوعی سکه طلای ضرب‌شده توسط امپراتوری ایران بوده است.

۵ نیاز اساسی نشر کودک و نوجوان ایران در دولت چهاردهم

مروری بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در حوزه کتاب کودک و نوجوان نشان می‌دهد ایشان بر تولید محتوای خوب کنار افزایش تیراژ و دسترسی آسان تأکید دارند.

هرچه از دهه ۶۰ و ۷۰ فاصله می‌گیریم، کتاب کودک و نوجوان علی‌رغم داشتن عناوین متعدد، از مشکلات گوناگونی رنج می‌برد؛ مشکلاتی که سبب شده است ادبیات کودک و نوجوان ایرانی نحیف‌تر شود و نشر این حوزه تن به حواشی برای گذراندن روزگار بسپارد.

نگاهی به بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دهه‌های مختلف نشان می‌دهد که ایشان همواره بر رشد کیفی و کمّی ادبیات کودک و نوجوان ایران تأکید داشته‌اند. این تأکید در بیانات ایشان در دیدارها و سخنرانی‌های مختلف دیده می‌شود. ایشان در بازدیدهای اخیرشان از نمایشگاه کتاب تهران نیز کنار توجه به حوزه بزرگسال، تأکیداتی در زمینه ادبیات و کتاب کودک و نوجوان نیز داشته‌اند. به‌نظر می‌رسد مرور اهم موضوعات در این حوزه از منظر ایشان، می‌تواند در جهت تصمیم‌گیری بهتر در وزارت فرهنگ دولت چهاردهم مفید فایده باشد.

***چنبره کتاب‌های ترجمه بر نشر ایران**

کتاب کودک و نوجوان در سال‌های اخیر با انباشتی از آثار ترجمه مواجه است؛ آثاری که از لیست کتاب‌های پرفروش سایت‌های معتبر خارجی از قبیل آمازون، نیویورک تایمز و... انتخاب و روانه بازار نشر ایران می‌شود؛ به‌طوری که می‌توان گفت بازار کتاب کودک و نوجوان ایران هیچ‌گاه به‌اندازه یک دهه گذشته مسیر آمد و شد کتاب‌های ترجمه‌شده نبوده است. انبوه کتاب‌هایی که از این رهگذر وارد بازار نشر ایران می‌شوند، عمدتاً با در نظر گرفتن صرفه اقتصادی برای ناشر و بازگشت سرمایه او، منتشر شده‌اند. در شرایطی که سرمایه‌گذاری بر کتاب تألیفی برای ناشر پرریسک به‌شمار می‌آید، بهترین گزینه انتخاب کتاب‌هایی است که پیش‌تر امتحان خود را پس داده و توانسته‌اند مخاطبان آن طرف آب را به‌سمت خود جلب کنند. در شرایطی که هیچ ضابطه و الزامی برای رعایت حق کپی‌رایت وجود ندارد، پرداختن حق‌الترجمه برای کتابی پرمخاطب، مطمئن‌ترین راه برای سرمایه‌گذاری است، هرچند پیش‌تر وزارت فرهنگ وعده سامان دادن به این بازار را داده بود، اما ترجمه‌ها همچنان رونق بازار را در دست دارند.

گزارش نشر کودک و نوجوان در سال گذشته نشان می‌دهد که مانند بسیاری از سال‌های یک دهه گذشته، نشر کتاب‌های ترجمه‌شده همچنان پررونق است و فاصله چندانی با تعداد کتاب‌های تألیفی ندارد. بنا بر آمار اعلام‌شده؛ در سال گذشته تعداد ۲۲ هزار و ۸۸۸ عنوان کتاب در این حوزه منتشر شده است که از این تعداد، ۱۳ هزار و ۲۸۵ عنوان تألیفی و ۹ هزار و ۶۰۳ عنوان ترجمه بوده است. فاصله میان تألیف و ترجمه در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال قبل آن، کاهش پیدا کرده است؛ زیرا در سال ۱۴۰۱، ۱۲ هزار و ۴۷۵ عنوان کتاب منتشره تألیفی و هفت هزار و ۴۸۸ عنوان ترجمه بوده است.

تأثیر افزایش چشم‌گیر این دسته از عناوین در کتابفروشی‌ها، بر مخاطب ایرانی غیر قابل انکار است. بررسی‌های میدانی تسنیم نشان می‌دهد علاقه عمده نوجوانان به خرید و مطالعه کتاب‌های غیرایرانی است. آمار فروش فروشگاه‌های بزرگ حکایت از افزایش این میل و قاعدتاً به حاشیه رانده شدن ادبیات ایرانی دارد. تأثیر سوء این روند بر ادبیات ایرانی و نویسنده ایرانی نیز خود ناگفته پیداست، این اقبال در حالی است که شرایط اقتصادی برای نویسندگان نیز همانند بسیاری از مردم مطلوب نیست.

رهبر معظم انقلاب در حاشیه بازدید از سی و چهارمین دوره نمایشگاه کتاب تهران در مصاحبه‌ای فرمودند: باید تا آنجا که امکان‌پذیر است در زمینه تولید کتاب‌های کودکان و نوجوانان متناسب با فرهنگ خودمان، تلاش شود تا از کتاب‌های بیگانه بی‌نیاز شویم.

ایشان خطاب به مسئولان و نویسندگان این عرصه فرمودند: روی مسئله کودکان هر میزان می‌توانید هم از لحاظ کمّیت و هم از لحاظ کیفیت کار کنید تا بتوانید کودکان و نوجوانان را جذب کنید.

رهبر انقلاب ادامه دادند: هنوز داستان‌های خارجی مربوط به کودک بر مجموعه کارها غلبه دارد و این خیلی عیب بزرگی است. توجه به کیفیت کتاب کودک و نوجوان در دیگر بیانات رهبر معظم انقلاب نیز به چشم می‌خورد. در نظر گرفتن حکمت اسلامی ایرانی و خلق قصه‌های خوب دو مؤلفه‌ای است که در این بخش می‌توان به آن اشاره کرد. ایشان در دیدار جمعی از شاعران در نیمه رمضان سال ۹۲، می‌فرمایند: من یک توصیه دیگر هم دارم ـ که اینجا یادداشت کرده‌ام ـ توجه به شعر کودک که متضمن مفاهیم حکمت اسلامی و حکمت سیاسی باشد، به‌نظر ما یکی از کارهای لازم است و امروز یک مقداری جایش خالی است.

شعر کودک و کتاب کودک و نوجوان از جمله بخش‌های مهمی است که امروز مورد توجه است. شعرایی که توانایی دارند، زبان رسایی دارند، باید مفاهیم حکمت‌آمیز را، یعنی حکمت اسلامی و ایرانی را در شعرهای فارسی بگنجانند. استعدادهای جوان باید پرورش پیدا کند. ما در بین جوان‌ها استعداد زیاد داریم و جوانها هم راحت‌تر می‌توانند حقایق را بپذیرند و این حقایق را در بیان خودشان و در شعرِ خودشان منعکس کنند.

***شمارگان ۲هزارنسخه‌ای کتاب برای جمعیت ۱۵میلیونی**

در سال‌های گذشته وجود مشکلات متعدد از جمله گرانی و کمبود کاغذ، نوسان قیمت و افزایش قیمت دیگر مواد اولیه مورد نیاز برای تولید کتاب، نبود ویترین مناسب و عدم دسترسی در برخی از مناطق کشور و... کنار رشد استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی سبب شده است اقبال عمومی به کتاب کم و کمتر شود. کاهش شمارگان کتاب به جایی رسیده است که برخی از آثار با شمارگان ۱۰۰ نسخه منتشر می‌شود و در مواردی ناشر با انتشار تنها ۲۰ نسخه، بازار را ارزیابی می‌کند و پس از دریافت فیدبک مثبت، اقدام به انتشار نسخه‌های بیشتر از کتاب می‌کند.

***چاپ کتاب؛ صدقه جاریه**

کاهش شمارگان کتاب در حوزه کودک و نوجوان نیز محسوس است؛ به‌طوری که اگر در دهه ۷۰ کتابی با ۲۰ هزار نسخه چاپ می‌شد، الآن در خوشبینانه‌ترین حالت در دو هزار نسخه در دسترس قرار می‌گیرد؛ در حالی این تعداد از چاپ یک کتاب موفقیت‌آمیز توصیف می‌شود که تعداد کودکان و نوجوانان در کشور حدود ۱۵ میلیون نفر است. رهبر معظم انقلاب چاپ کتاب را «صدقه جاریه» می‌دانند:

یک وقتی در گذشته معمول بود که کسانی از تجار و بازاری‌های مؤمن، مثل آقای کوشان‌پور، پیدا می‌شدند و کتابی را چاپ می‌کردند و مجانی به طلاب می‌دادند، اما الآن این کارها نمی‌شود، یا کم می‌شود. چنانچه معلوم شد که کتاب خیلی خوبی هست، این باید چاپ بشود. هر اندازه خرج چاپ آن باشد، باید جزء صدقات جاریه قرار بگیرد. شماها روشنفکرید و به اهمیت این کار آگاهید؛ این را ترویج کنید. اگر مسئله کتابخوانی جا افتاد، این هم انجام خواهد شد. (دیدار با اعضای هیئت تحریریه دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ ۱۸/۲/۷۴)

با این نگاه است که ایشان در بازدید از سی و چهارمین دوره نمایشگاه کتاب تهران می‌فرمایند: ...لیکن با وجود این‌ها انسان می‌بینند که هم تعداد عناوین کتاب بسیار زیاد شده است؛ یعنی فرض کنید در سال ۱۴۰۱ تعداد کتابی که چاپ شده از مجموع چندین سال قبل از انقلاب بیشتر است این خیلی چیز مهمی است. با اینکه این همه مشکلات از نظر اقتصادی و امثال آن وجود دارد، اما عناوین کتاب بالا رفته‌است و در عین حال شمارگان چاپ کتاب نسبتاً پایین است. افزایش تیراژ کتاب‌ها از جمله دغدغه‌های ایشان در ادوار گذشته نیز بوده است:

پرچم سرخ «یا لثارات الحسین» و راهپیمایی اربعین

امروز بیش از هر زمان دیگر، حرکت عظیم راهپیمایی اربعین می‌تواند نمایش وحدت و قدرت بیش از پیش امت اسلام به‌ویژه شیعیان سراسر جهان در این گردهمایی سالانه باشد.

سید محمود جوادی، پژوهشگر علوم دینی، در یادداشتی در آستانه فرارسیدن اربعین حسینی به ظرفیت‌های این رویداد فرهنگی در میان دو ملت ایران و عراق پرداخت. یادداشت او که برای انتشار در اختیار خبرگزاری تسنیم قرار گرفته، به این شرح است:

بعد از سقوط رژیم بعثی صدام در عراق، پیاده‌روی اربعین رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. این زیارت عاشقانه با پایان یافتن دوران محدودیت‌ها از پستوی نخلستان‌های نجف به کربلا (مشهور به طریق العلماء) خارج و کنار عمودها در مسیر اصلی نجف به کربلا مقابل دیدگان مردم جهان قرار گرفت تا فریاد «یا حسین» عاشقان اباعبدالله(ع) بلندتر از قبل از عراق سر داده شود و به گوش آزادگان جهان در اقصی نقاط عالم برسد.

پیاده‌روی اربعین به لطف نیت‌های خالص زائران و خدمت بی‌ریای خادمان امام حسین علیه السلام (اعم از میزبانان عراقی و موکب‌داران داخل و خارج عراق) هر سال پرشورتر از سال قبل برگزار می‌شود؛ مراسمی که ده‌ها میلیون زائر از عراق و کشورهای خارجی آن را رقم می‌زنند تا به دنیا نشان دهند چگونه امام سوم شیعیان، محبان و عزاداران خود را متحد و پس از قرن‌ها همچنان گرد یک کانون مقدس جمع و برای یک هدف بزرگ آماده می‌کند. سقوط رژیم صدام این فرصت را برای شیعیان جهان فراهم آورد تا در راهپیمایی اربعین اوج برادری و صمیمیت خودرا میان یکدیگر در مسیر کربلا به نمایش بگذارند و شیعیان عراق با ثبت صحنه‌های بی‌نظیر خدمت به عزاداران حسینی و ساختن خاطرات به یاد ماندنی میزبانی بی‌نظیر آنها از زائران ایرانی، این خاطرات شیرین را جایگزین خاطرات تلخ دوران جنگ کنند و کدورت‌ها را از ذهن خود پاک و دور سازند تا با شایستگی تمام برگ زرینی را در خدمت به زائران امام حسین (ع) از خود بجا بگذارند.

عبور کردن سریع دو ملت ایران و عراق از تبعات جنگ هشت ساله و پشت سر گذاشتن فتنه‌ها، برای دشمنان چنان شگفت‌انگیز بود که هرگز باور نمی‌کردند دشمنی میان این دو ملت با شعار وحدت‌بخش «ایران و العراق لا یمکن الفراق» به دوستی و برادری تبدیل شود. از همه مهمتر همرزم شدن و قرار گرفتن آنها در یک خاکریز و سنگر در برابر داعش و حامیان این حرکت پلید تروریستی، خود از معجزات دوران معاصر است.

امروز بیش از هر زمان دیگر، حرکت عظیم راهپیمایی اربعین می‌تواند نمایش وحدت و قدرت بیش از پیش امت اسلام به‌ویژه شیعیان سراسر جهان در این گردهمایی سالانه باشد. الگو گرفتن از قیام امام حسین علیه السلام در برابر ظلم و ستمگری همچنان باید هدف اصلی این حرکت میلیونی باشد و باید با آمیختن خشم و نفرت از یزیدیان زمان، بیش از پیش رنگ و بوی انقلابی به این مراسم آیینی بخشید.

انجام مراسم صرفاً آیینی در این راهپیمایی نمی‌تواند به معنای واقعی نصرت رساندن به امام حسین (ع) و مظلومان جهان باشد بلکه با درک درست قیام آن حضرت یعنی قیام دربرابر ظلم و انعکاس آن در شعارها، می‌تواند قدم مهمی در مسیر یاری رساندن به ایشان و اندیشه آن امام مظلوم باشد. به اهتزاز درآمدن پرچم سرخ «یالثارات الحسین» بر گنبد مسجد مقدس جمکران همزمان با شهادت فرماندهان برجسته مقاومت شهید اسماعیل هنیه و شهید سید فؤاد شکر نشان مبارکی است که ان‌شاءالله با در دست داشتن این پرچم در راهپیمایی اربعین امسال و همزمان با درهم کوبیدن مواضع رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی به دست پرتوان پاسداران دلاور اسلام و محور مقاومت، نشانه‌های ظهور امام زمان (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) را تداعی کنیم و با آمادگی قلبی برای این اتفاق بزرگ، گام عملی برای زمینه‌سازی ظهور آن حضرت برداریم.

استفاده شیعیان جهان از پیاده‌روی اربعین برای ایجاد همبستگی بیشتر یک فرصت طلایی در راستای تقویت جبهه مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم استکبار جهانی و عوامل آن در منطقه است که این روزها و با توجه به جنگ غزه و گستاخی‌های رژیم صهیونیستی، بیش از گذشته نیازمند اتحاد و یک صدایی است.

یقیناً با دعای خیر امام زمان(عج) روز به روز بر برکت راهپیمایی اربعین افزوده می‌شود و تاکنون موجب برکاتی چون دوستی و برادری میان دو ملت ایران و عراق شده است، وگرنه چه کسی می‌توانست کینه‌ها و تبعات جنگ هشت ساله را از دل این دو ملت بزداید؟ مادامی که ما در مسیر خوشنودی آن حضرت قدم برمی‌داریم، این برکات شامل حال ما خواهد شد.

اربعین امسال که با حوادث عجیب و غریب منطقه مصادف شده است، مارا بیش از پیش به دعای خیر امام زمانمان نیازمند می‌کند. کنگره عظیم راهپیمایی اربعین فرصتی استثنایی برای ما عاشقان اهل بیت علیهم السلام است که ملتمسانه از آن حضرت بخواهیم عنایتی به ما کند و مارا زیر پرچم «یالثارات الحسین» به‌عنوان خادمانی دست به سینه و سربازانی جان برکف برای خود برگزینند.

نامه امام حسین علیه السلام در پاسخ به فرماندار مکه

بخش آخر

۳. ضرر و آسیب به کسی نمی‌رساند

امیرمؤمنان فرمود: «مَن کَثُرَت مَخافَتُه، قَلَّت آفَتُه» یک علامت ترس از خدا این است؛ هر که از خدا می‌ترسد، آفتش کم است، یعنی به مردم ضرر و آسیب نمی‌رساند، انسان است که به دیگران لطمه نمی‌زند. عزیزان این سه علامتی که من امروز برای خوف از خدا گفتم یعنی ۱- خائف از خدا سخن و فعلش مثل هم است، ۲- حب ریاست و غرور ندارد، ۳- آفت و ضرر به کسی نمی‌رساند، اگر این علامت‌ها در کسی بود او خائف است و خوف از خدا در وجود او هست. خدا در قرآن می‌فرماید: «وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ» خدا به کسی که ترس از خدا دارد دو بهشت می‌دهد؛ هم بهشت مادی و هم بهشت معنوی؛ هم جنت برزخی و هم جنت قیامت. کسی که از خدا ترس دارد این گونه است؛ ببینید در روز عاشورا چگونه بعضی‌ها خدمت امام حسین آمدند و برای شهادت التماس کردند. شهادت، جان دادن است، انسانی که وقتی یک سوزن به دستش فرو می‌رود، دادش بلند می‌شود این چه انگیزه‌ای است که دختر جوان ۱۷- ۱۸ ساله با مواد منفجره به قرارگاه اسرائیلی‌ها می‌زند؟ مگر او می‌خواهد زنده بماند که بعدش ریاست بکند؟! یا مسئولیت و مقام بگیرد؟! وزارت بگیرد؟! این چه انگیزه‌ای است که مادر فلسطینی جوانش را در آغوش می‌گیرد می‌بوسد و می‌گوید پسرم برو خدا حفظت کند، در حالی که می‌داند اگر او برود دو دقیقهٔ دیگر تمام است. عملیات انتحاری است، او دارد به میان دشمن می‌رود، اگر انگیزه‌ای غیر از انگیزهٔ خدایی باشد نمی‌تواند این کارها را بکند. این کدام انگیزه است که جوان را روی مین می‌کشد؟! حسین فهمیده را زیر تانک می‌کشد؟! حسین فهمیده بعد از شهادت نمی‌ماند که بخواهد حب ریاست و جاه داشته باشد. اگر امام خمینی فرمود رهبر من آن طفل سیزده ساله‌ای است که با خودش نارنجک داشت و زیر تانک رفت، به این دلیل است که او واقعاً در خط دهی رهبر است، در پرستش خدا و نترسیدن رهبر است.

روضهٔ عمروبن جناده

در روز عاشورا، یک نوجوان ۱۱-۱۰ ساله به امام حسین التماس می‌کند که آقا اجازه بدهید به میدان بروم. آقا فرمود: تو پدرت شهید شده – پسر شهید بود- شاید مادرت راضی نباشد و بخواهد تو را نگه دارد، یادگار پدرت هستی؛ «شابٌّ قُتِلَ اَبُوهُ فِی المَعرکه». عرض کرد: یابن رسول الله،مادرم لباس رزم تنم کرده، مادرم برایم شمشیر بسته، مادرم مرا فرستاده، من با اجازهٔ مادرم آمده‌ام، اجازه بدهید اسم من هم جزو شهدا باشد، التماس می‌کنم، خواهش می‌کنم، روی دست و پای امام حسین افتاد. چند سال دارد؟ ۱۱- ۱۰ سال. آقا فرمود: برو، «ساعدَ الله قلبَکَ یا اباعبدالله»،چه یارانی داری حسین فاطمه! چه شهدایی در کربلا تقدیم کردی! چقدر داغ دیدی! امام حسین برای همهٔ اینها قلبش مهموم بود. عرض من این است که هیچ کسی در کربلا به اندازهٔ امام حسین مصیبت ندیده و هیچ کسی به اندازهٔ امام حسین تشنگی نچشیده؛ چون همهٔ شهدا قبل از امام حسین شهید شدند، اوست که تا آخرین لحظه همهٔ داغ‌ها را دید، او هم رهبر نهضت است و هم احساس مسئولیت می‌کند، فرمود برو نوجوان. این نوجوان اجازه گرفت، شمشیرش را برداشت، به میدان آمد. نگفت پدرم کیست، مادرم کیست، با این که رسم بود که خودشان را به اسم پدر و مادر و خویشانشان معرفی می‌کردند، نسبشان را می‌گفتند، کنیه‌شان را می‌گفتند، اما او نگفت من که هستم، گفت بگذارید خودم را با کسی معرفی کنم که اسمم در تاریخ بماند. گفت می‌دانید من که هستم؟ آن کسی هستم که مولایم حسین است، هر که مرا نمی‌شناسد، بداند من غلام اباعبدالله هستم.

امیری حسین وَنِعمَ الأمیر
سرور فؤادِ البَشیر النذیر
آی دشمن! هر که مرا نمی‌شناسد بداند امیر من حسین است، آقایم اباعبدالله است، اگر حسین را نمی‌شناسید به شما می‌گویم:
علیٌ و فاطمةُ والداه
فهل تعلمون له من نظیر

حسین کسی است که مادرش فاطمه است و پدرش امیرالمؤمنین است. شما را به خدا، کسی را می‌شناسید که پدر و مادری مثل زهرا و علی داشته باشد؟ شما را به خدا، کسی را می‌شناسید که به عظمت حسین باشد؟ یا بقیه الله! وقتی نوجوان شهید شد، دشمن برای اینکه عاطفه‌ها را تحریک کند، سرش را به طرف خیمه‌ها پرتاب کرد. مادر شهید سر را برداشت و به سینه چسبانید، صدا زد: «أحسَنْتَ یا بُنَیّ، یا ثمره فؤادی، یا قرةَ عَینی»؛ ای نور چشمم، ای عزیزم، فرزندم هستی، دوستت دارم، اما دشمنان بدانید ما امانتی را که در راه خدا داده‌ایم پس نمی‌گیریم. سر را برداشت، به طرف میدان جنگ آورد، که مقابل دشمن بیندازد. اباعبدالله بیرون آمد و فرمود: «یا عمّه الله، ارجعی.»؛ خانم برگرد، خدا صبرت بدهد. یا اباعبدالله، کاش کسی هم بود دختر کوچکت را از روی بدنت همین طور برمی‌گرداند، یا اباعبدالله نازدانه‌ات را با تازیانه از روی بدن بلند کردند.

لا حول ولا قوة الا بالله العلیم العظیم.

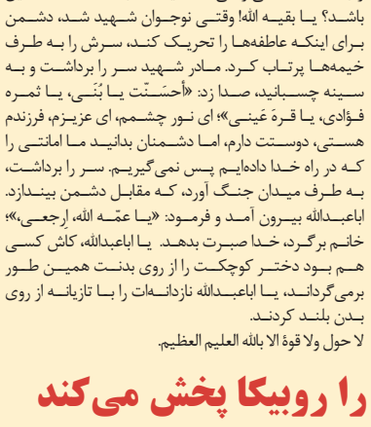

حجت‌الاسلام دکتر مجتبی خندان

سریال «کیانوش عیاری» را روبیکا پخش می‌کند یا خودِ تلویزیون؟

گمانه‌زنی‌هایی برای پخش سریال «۸۷ متر» کیانوش عیاری به گوش می‌رسد سریالی که همچنان بلاتکلیف است. گروهی می‌گویند «روبیکا» و البته خودِ عیاری به سردرگمی اشاره می‌کند نمی‌داند سرانجام این سریال از کجا سردرخواهد آورد.

سریال «۸۷ متر» را می‌توان جزو آثار بلاتکلیف تلویزیون دانست. کارگردانش کیانوش عیاری اخیراً در گفت‌وگویی با فریدون جیرانی به این نکته اشاره کرد که «سریال «۸۷ متر» کاری نیست که همچون سریال‌های رایج شبکه نمایش‌خانگی باشد و به تلویزیون بیاید بهتر است.»

با این حال، خبرهایی هم به گوش می‌رسد که قرار است به روبیکا برسد. اما یکی از مدیرانِ این پلتفرم در گفت‌وگویی با تسنیم اعلام کرد مذاکره‌ای انجام شده اما قطعیتی وجود ندارد.

مهدی نقویان رئیس مرکز سیمافیلم رسماً در نشست خبری با خبرنگاران اعلام کرد این سریال به نمایش‌خانگی می‌رود به همین خاطر چند ماه است رایزنی می‌شود پلتفرم‌های نمایش‌خانگی این سریال را پخش کنند. اما هنوز خبر قطعی از پخش‌کننده این سریال، رسانه‌ای نشده است.

البته گهگاهی گمانه‌زنی‌هایی در فضای‌مجازی پخش می‌شود که خود کیانوش عیاری کارگردان و برخی از عوامل این سریال، آن را تأیید نمی‌کنند.

تاکنون بارها تاریخ‌های متعددی برای پخش سریال «۸۷ متر» اعلام شده که هیچ‌کدام به سرمنزل نرسیده‌اند.

سریالی که در جریانِ ساخت هم بارها متوقف شد و به نظر می‌رسد عنوان طولانی‌ترین زمانِ تولید یک مجموعه آپارتمانی در تلویزیون را به خودش اختصاص دهد. چرا که ۳۱ ماه طول کشید تا به پایان برسد.

کارگردانی که چندی پیش همزمان با اکران «ویلای ساحلی» دچار سکته خفیف مغزی شد و مدتی را برای درمان به بیمارستان رفت. البته آثار بیماری هنوز در صدایِ او مشخص است. عیاری با این حال و احوال پیگیرِ پخش سریال «۸۷ متر» است و می‌گوید این سریال باید ۱۴۰۰ و نهایتاً ۱۴۰۱ پخش می‌شد. هرچه‌قدر از زمان پخش آن می‌گذرد این سریال تازگی‌اش را از دست می‌دهد.

کاری که به تعبیرِ کارگردان، سریال تلخی نیست اما قصه زمانه است. برخی اوقات عشق و درام را می‌بینند و برخی اوقات هم ناملایمات و معضلات عامل جذب‌کننده‌ای برای مخاطب است. او همچنین تأکید کرده که خیل عظیمی از پرونده‌های قوه قضائیه، به مستغلات و مسکن‌هایی برمی‌گردد که سر بسیاری به واسطه آگاه نبودن به مواردی، کلاه رفته است؛ تماشاگر ما با دیدنِ این مجموعه تلویزیونی، احساس ناامنی می‌کند.

او اعتقاد دارد باید تماشاگر سریال «۸۷ متر» با دیدن این مجموعه تلویزیونی، احساس ناامنی برایش ایجاد شود که سر به هوا خرید نکند و خرید و فروش مسکن و ملک با دقت اتفاق بیفتد که بارها شاهد بوده‌ایم و دیده‌ایم که چه دردسرهای عظیمی برای خریداران به وجود آمده است.

سریالی که درام اجتماعی است و داستان آن به دو خانواده به نام‌های پوردوانی و خلیلی برمی‌گردد. علی‌رضا پوردوانی به همراه همسر، دو دختر و پسرش خانه‌ای را از فروشنده‌ای به نام فرج ناصری خریداری می‌کنند. اما روز اسباب‌کشی متوجه می‌شوند که خانه به فرد دیگری به نام رجب خلیلی فروخته شده است. رجب به همراه پسر، همسر و دو دخترش صبح زودتر از پوردورانی‌ها به خانه رسیده‌اند و وسایل‌شان را در خانه گذاشته‌اند اما با رسیدن خانواده پوردورانی، ماجرای کلاهبرداری مشخص می‌شود.

این خلاصه داستان سریال «۸۷ متر» است که لوکیشن‌های متعددی را به خود دیده؛ حتی خانواده‌ها برای تعقیب کلاهبردار به خارج از کشور (گرجستان) می‌روند. سریالی که به تعبیر کیانوش عیاری کارگردانش روزهای سختی را سپری کرد.

از بازیگران این سریال می‌توان به علی دهکردی، مهران رجبی، فریبا کامران، زنده یاد حسین محب اهری، شهین تسلیمی، دیبا زاهدی، سونیا سنجری، حسین سلیمانی، فریده سپاه منصور، محمد بحرانی طنز پرداز محبوب و صدا پیشه جناب خان دوست داشتنی اشاره کرد. البته سعید پیردوست را نیز پس از مدت‌ها دوری از بازیگری در این سریال می‌بینیم. مرحوم علی انصاریان فوتبالیست هم در سکانس‌هایی در این سریال به ایفای نقش پرداخته است.

ای کاش برگه چک شجریان را نگه می‌داشتم!

رضا ژاله (سازنده ساز) در روایت خاطرات خود با محمدرضا شجریان از یک پشیمانی اینگونه می‌گوید: «از یک کاری که کردم خیلی پشیمانم! یک شب استاد شجریان دسته چکش را درآورد و گفت: «ژاله جان این همه زحمت کشیدی چقدر برای شما بنویسم؟» گفتم: «استاد جان من چقدر برای شما بنویسم؟» گفت: «شما چرا برای من بنویسی؟» گفتم: «چه شب‌هایی که من تا صبح در این کارگاه چکش می‌زدم و با شنیدن صدای شما بدون اینکه خسته شوم کارم را ادامه می‌دادم.» ولی ای کاش می‌گفتم استاد بنویسید یک ریال و آن برگ چک را به رسم یادگار نگه می‌داشتم.»

رضا ژاله که از سازندگان سرشناس ساز ایران است، به قول خودش شب‌های بسیاری در کارگاه خود با محمدرضا شجریان دمخور بوده است و هر کدام، از سازهای ابداعی خود می‌گفتند و تبادل نظر می‌کردند؛ آشنایی که به واسطه مجید درخشانی (آهنگساز و نوازنده تار و سه‌تار) صورت گرفته است.

ژاله آشنایی خود و شجریان را اینگونه برای ایسنا روایت کرده است: «زمانی که آقای درخشانی و استاد شجریان کنسرت برگزار می‌کردند، آقای درخشانی سازی را به من سفارش دادند که موقع تحویل به ایشان گفتم با خیال راحت از این ساز استفاده کنید چون دیگر وسط اجرای استاد نیازی به کوک ندارد. ایشان رفت و استاد شجریان دید که در میانه اجرا دست به ساز برای کوک نمی‌برد. به همین جهت پرسیده بود ساز را چه کسی ساخته است؟ آقای درخشانی هم گفته بود رضا ژاله.

استاد شجریان هم گفته بود «پس به دیدارش برویم». آقای درخشانی کارهای ابداعی مرا هم دیده بود و نزد استاد شجریان تعریف کرده بود. با من تماس گرفت و گفت: «ژاله جان ایرادی ندارد همراه با آقای شجریان به کارگاهت بیاییم؟» گفتم که «نه استاد جان چه ایرادی دارد من را مفتخر می‌کنید».

خلاصه چند روز گذشت که همراه نوازندگان گروه به کارگاهم آمدند. چندتا از سازهای ابداعی من و دیگر سازها هم روی زمین بود که نوازندگان آن‌ها را نواختند و استاد خوششان آمد. این اتفاق باعث شد که پای استاد به کارگاه من باز شود و خیلی شب‌ها پیش من می‌آمدند و گاهی درباره سازهایی که می‌ساختند از من نظرخواهی می‌کردند. او مردی کنکاش‌گر بود، دلش برای موسیقی ایران می‌سوخت و سازهای زیادی ساخت اما عمر به او اجازه نداد این مسیر را ادامه دهد. از یک کاری که کردم خیلی پشیمانم! یک شب استاد شجریان دسته چکش را درآورد و گفت: «ژاله جان این همه زحمت کشیدی چقدر برای شما بنویسم؟» گفتم: «استاد جان من چقدر برای شما بنویسم؟» گفت: «شما چرا برای من بنویسی؟» گفتم: «چه شب‌هایی که من تا صبح در این کارگاه چکش می‌زدم و با شنیدن صدای شما بدون اینکه خسته شوم کارم را ادامه می‌دادم.» ولی ای کاش می‌گفتم استاد بنویسید یک ریال و آن برگ چک را به رسم یادگار نگه می‌داشتم. می‌گویند که پیکاسو وقتی به رستوران می‌رفته، عوض پول نقد، به رستوران چک می‌داده است ولی چک‌های او هرگز برای وصول به بانک نرفت و آنها دستخط او را به رسم یادگار نگه داشتند.»